گزارش

شمارش معکوس سیاسی

ادامه از صفحه ۲

با وجود این دشـواری‌ها، ایده توافق موقت همچنان بهترین گزینه روی میـز تلقی می‌شـود، زیرا در غیاب آن، مسـیر تنها به سـمت دو سـرانجام می‌رود؛ یا اجرای کامل مکانیسـم ماشـه و بازگشت همه تحریم‌های سـازمان ملل یا تشـدید فعالیت‌های هسـته‌ای ایران تا سـطحی که عملا فاصله‌ای با آسـتانه تسـلیحاتی باقی نماند. هر دو سـناریو به معنای افزایش بی‌ثباتی منطقـه‌ای و احتمال درگیری‌های پرهزینه خواهد بود. از منظر راهبردی، توافق موقت شـاید بیشتر به «تنفس مصنوعی» شـباهت داشته باشـد تا درمان اصلی، اما همین تنفس می‌تواند فرصت لازم برای طراحی توافقی جامع‌تر را فراهـم کند. همان‌طورکه داونپورت می‌گوید: «یـک پـل باریک هم می‌تواند جان مسـافری را که در میان رود گرفتار شـده، نجات دهد».

سناریوهای پیش‌رو؛ از دیپلماسی زمان‌خرید تا تقابل بی‌بازگشت

پرونده هسته‌ای ایران در نقطه‌ای ایسـتاده که هر حرکت کوچک می‌تواند مسـیر آینده را تعیین کند. سه بخش پیشین نشـان داد که چالش غنی‌سازی، مکانیسم ماشـه و گزینه توافق موقت سه ضلع اصلی این معادله پیچیده‌اند. اما پرسش کلیدی این اسـت: در آینده چه سناریوهایی پیش‌روی ایران و غرب قرار دارد؟

۱. ادامه مسیر دیپلماسی زمان‌خرید

یکی از محتمل‌ترین سـناریوها این اسـت کـه طرفین بار دیگـر به همان الگوی شناخته‌شـده «زمان‌خرید» روی آورند. در این چارچوب، ایران سطحی از فعالیت‌های حسـاس را متوقف یا محدود می‌کند و در مقابل، اروپا و آمریکا بخشی از فشار اقتصادی را کاهش می‌دهند. این مدل، شباهت زیادی به توافق موقـت دارد، اما می‌تواند در چند مرحله تکرار شـود. مزیـت آن برای تهران، دسترسی تدریجی به منابع مالی و نفتی است و برای غرب، جلوگیری از رسیدن ایران به آسـتانه تسـلیحاتی. با این حال، مشکل اصلی این سناریو آن است که نه ایران و نه غرب، هیچ‌یک به هدف نهایی خود نمی‌رسـند. ایران همچنان با تحریم‌های گسترده روبه‌رو خواهد بود و غرب نیز با برنامه‌ای هسته‌ای مواجه می‌شـود کـه در حالت تعلیق موقت باقی مانده اسـت، بنابراین دیپلماسـی زمان‌خرید شـاید بتواند بحـران را مدیریت کند، اما قادر بـه حل‌وفصل نهایی آن نیست.

۲. توافق جامع جدید

سناریوی دیگر، دستیابی به یک توافق جامع‌تر از برجام است؛ توافقی که هم نگرانی‌های هسته‌ای غرب را رفع کند و هم دسترسی اقتصادی ایران را تضمین کند. چنین توافقی می‌تواند شـامل این موارد باشـد؛ محدودسـازی بلندمدت برنامه غنی‌سـازی، توقف فعالیت‌های تحقیق و توسـعه روی سانتریفیوژهای پیشـرفته، و در مقابل، لغو پایدار تحریم‌های نفتی و بانکی. اما موانع این مسیر بسیار زیاد است؛ اول، سـطح بی‌اعتمادی عمیق میان دو طرف. تجربه خروج آمریکا از برجـام و نیز اقدامات متقابل ایران باعث شـده هر توافق جدیدی با تردید روبه‌رو شـود. دوم، شرایط سیاسی داخلی. در تهران، هرگونه محدودیت گسترده‌تر بر برنامه هسـته‌ای می‌تواند به‌عنوان «عقب‌نشینی» تلقی شود. در واشنگتن نیز هرگونه امتیاز بزرگ به ایران می‌تواند به ابزار فشار انتخاباتی علیه دولت تبدیل شود، بنابراین اگرچه دستیابی به توافق جامع مطلوب‌ترین نتیجه است، اما دست‌کم در کوتاه‌مدت دور از دسترس به نظر می‌رسد.

۳. اجرای کامل مکانیسم ماشه

درصورتی‌که تلاش‌های دیپلماتیک ناکام بماند، محتمل‌ترین سناریو اجرای کامل مکانیسـم ماشه خواهد بود. این یعنی بازگشت همه تحریم‌های سازمان ملل، محدودیت‌های گسترده در حوزه تسلیحات، سفر، دارایی‌های مالی و حتی ممنوعیت همکاری‌های هسـته‌ای صلح‌آمیز با ایـران. پیامد چنین وضعیتی برای اقتصاد ایران سـنگین خواهد بود، به‌ویژه آنکه امکان دورزدن تحریم‌های شـورای امنیت به‌مراتب سـخت‌تر از تحریم‌های یک‌جانبه آمریکاست. برای غرب، این سـناریو در کوتاه‌مدت می‌تواند دسـتاورد سیاسـی داشته باشد، زیرا نشـان می‌دهد که توافقی که سال‌ها برایش مذاکره شد، ابزار بازدارندگی خود را حفظ کرده است. اما در بلندمدت، خطر خروج ایران از ان‌پی‌تی و حرکت به سـمت کاهش نظارت‌های آژانس جدی خواهد شد. در چنین شرایطی، نه‌تنها بحران حل نمی‌شود، بلکه ابعاد امنیتی آن تشدید می‌شود.

۴. خروج ایران از NPT

این سـناریو را می‌توان نقطه بی‌بازگشـت بحران دانسـت. به‌ویژه آنکه در پی ارسـال نامه تروئیکا به شـورای امنیت، مجلس شـورای اسلامی به دنبال کلیدزدن طرح سـه‌فوریتی خروج ایران از ان‌پی‌تی است. خروج ایران از پیمان منع گسـترش سلاح‌های هسته‌ای به معنای آن است که جامعه جهانی هیچ چارچـوب حقوقی بـرای نظارت بر فعالیت‌های هسـته‌ای تهـران در اختیار نخواهد داشت. چنین اقدامی می‌تواند موجی از نگرانی‌های امنیتی در منطقه ایجاد کند، به‌ویژه در عربسـتان و اسرائیل. پیامد طبیعی این وضعیت، افزایش احتمال درگیری‌های نظامی مستقیم یا نیابتی خواهد بود.

البتـه خروج از ان‌پی‌تـی برای ایران نیز پرهزینه اسـت. این اقدام می‌تواند اجمـاع جهانی علیه تهران را تقویت کرده و حتی کشـورهای دوسـت مانند روسیه و چین را در موقعیت دشواری قرار دهد. ازاین‌رو هرچند برخی جریان‌ها در داخـل ایران این گزینه را به‌عنوان اهرم فشـار مطـرح می‌کنند، اما احتمال اجرای عملی آن همچنان پایین ارزیابی می‌شود.

۵. تقابل نظامی مستقیم

آخرین و خطرناک‌ترین سناریو، رویارویی نظامی مستقیم است؛ چه در قالب حمله محدود به تأسیسـات هسته‌ای ایران و چه در قالب یک جنگ منطقه‌ای گسترده‌تر. اسـرائیل بارها تهدید کرده که اجازه نخواهد داد ایران به توانمندی ساخت سلاح هسـته‌ای نزدیک شـود. ایالات متحده نیز هرچند از دیپلماسی حمایت می‌کند، اما همواره گزینه نظامی را روی میز نگه داشـته است. تجربه جنـگ ۱۲روزه ثابت کرد که گزینه نظامی، نه یـک بلوف دیپلماتیک، بلکه یک واقعیت میدانی جدی اسـت. با این حال، تقابل نظامی برای ایران و غرب یک گزینه مطلوب نیسـت. هزینه‌های انسـانی، اقتصادی و سیاسـی چنین جنگی سنگین خواهد بود و می‌تواند منطقه خاورمیانه را به آشوبی بی‌سابقه بکشاند، بنابراین این سـناریو بیشـتر به‌عنوان «تهدید» برای افزایـش قدرت چانه‌زنی استفاده می‌شود تا گزینه‌ای واقعی برای اجرا.

کدام مسیر محتمل‌تر است؟

با کنار هم گذاشـتن این سـناریوها، می‌توان گفت که آینده پرونده هسته‌ای ایران بیشـتر به سـمت یکی از دو مسـیر حرکـت خواهد کرد؛ «دیپلماسـی زمان‌خرید از طریق توافق‌های موقت» یا «اجرای کامل مکانیسم ماشه». توافق جامع در کوتاه‌مدت دست‌نیافتنی است و خروج از ان‌پی‌تی یا تقابل نظامی نیز هزینه‌های بسـیار بالایی دارد، بنابراین احتمالا شـاهد نوعی «مدیریت بحران» خواهیم بود که نه به حل مسئله می‌انجامد و نه اجازه می‌دهد اوضاع از کنترل خارج شـود. به بیان دیگر، بـازی همچنان در زمین دیپلماسـی ادامه خواهد داشت، اما نه براساس رؤیای یک توافق بزرگ، بلکه بر پایه معاملات کوچک و پرهزینه‌ای که تنها هدف‌شـان خریدن زمان و جلوگیری از انفجار کامل بحران اسـت. این همان تصویری اسـت که آینهورن و داونپورت در تحلیل‌های خود ترسیم می‌کنند؛ دیپلماسی شکننده، پرخطر و درعین‌حال تنها راه باقی‌مانده.

آیا تندروهای مجلس به دنبال بازکردن مشت ایران در مقابل طرف غربی هستند؟

تبعات طرح سه‌فوریتی خروج از NPT

داوود حشمتی: طرح سه‌فوریتی مجلس برای خروج از NPT، به نفع ایران اسـت یا به ضرر کشور؟ آیا تندروهای مجلس به دنبال بازکردن مشت ایران در مقابل طرف غربی هستند؟

نایب‌رئیس کمیسیون اصل ۹۰ مجلس در گفت‌وگو با تسنیم از کلیدخوردن تدوین طرحی سـه فوریتی بـرای خروج کامل از «NPT» در مجلـس خبر داده و گفته اسـت این طـرح فردا در سـامانه مجلس بارگذاری خواهد شد تا در جلسات علنی هفته آینده مجلس روند قانونی جهت بررسی و تصویب را سپری کند. سؤال اینجاست که حالا و بعد از فعال‌شدن مکانیسم ماشه باید همکاری با آژانس را ادامه داد یا آن را به‌طور کامل لغو کرد؟ دو دیدگاه در این زمینه وجود دارد:

دیدگاه اول: تنش حداکثری

براساس این دیدگاه، ایران باید علاوه بر اخراج بازرسان آژانس، از NPT (معاهده منع گسـترش سلاح‌های هسته‌ای) هم خارج شود. این تفکر در مقابل این پرسـش قرار می‌گیرد که «اگر ایران قصد تولید سـلاح هسـته‌ای ندارد، چرا بایـد از معاهدات منع گسـترش سلاح‌های هسته‌ای خارج شـود؟». در واقع با این کار ایران خودش را به‌عنوان یک هدف در تیررس قرار می‌دهد، بدون آنکه تلاشی برای ساخت بمب داشته باشد. در پاسخ، این دیدگاه مدعی اسـت با خـروج از NPT و ایجاد ابهام هسـته‌ای، ایران می‌تواند به یک بازدارندگی دسـت پیدا کند. از نگاه این دسـته، مکانیسـم ماشـه در عمل هیچ اهمیتی نـدارد. بااین‌حال، برای نشـان‌دادن اراده خود به طرف غربی باید از NPT خارج شد. در نتیجـه، طرف غربی با ترس و واهمه به سـراغ ایران می‌آید تا از ترس اینکه ایران سلاح هسته‌ای نسـازد، با ایران توافق کند. این البتـه حالت ظاهری و خوش‌بینانه ماجرا هم می‌تواند باشـد. از نگاه این دسـته، «در آستانه» قرارداشـتن برای ایران بازدارندگی ایجـاد می‌کند. به این معنا که طرف‌های غربی همیشـه در این ترس باقی می‌مانند که مبادا ایران به سـمت سـلاح هسـته‌ای بـرود؛ بنابراین تلاش می‌کنند بـا دادن امتیاز به ایران، مانع از این اقدام شـوند. تقریبا مجموعـه جریان چنارهـای اصولگرایی را می‌توان در این جریان جمع‌بندی کرد. دسـته دیگر اما معتقدند ایران باید سـلاح هسته‌ای را بسـازد و آزمایش کند. از نگاه آنها، بیرون‌کردن بازرسان و خروج از NPT مقدمه‌ای است برای تغییر تصمیم سـطوح اول ایران درباره «حرمت سـلاح هسـته‌ای» و شـاید راحت‌تر بتوان به سمت آن حرکت کرد. درواقع این دسته تـلاش می‌کنند مجموعـه تصمیم‌گیران را در عملِ انجام‌شـده قرار دهند. پاجوش‌ها عموما از این دسـته هستند، اما به واسطه اینکه مخالفت با فتوای رهبری را نوعی ایستادن صریح در مقابل رهبری می‌دانند، سعی می‌کنند این وضعیت را بر زبان خودشان جاری نکنند و از کانال‌های دیگری آن را مطرح کنند.

دیدگاه دوم: مهار تنش

اما دسـته دیگری هم در کشور وجود دارند که خروج از NPT را نه‌تنها برای ایران مفیـد و بازتولیدکننده بازدارندگی نمی‌دانند، بلکه آن را مخرب دانسته و معتقدند کشور به مسیری بازمی‌گردد که احمدی‌نژاد آن را با «کندن فرمان لوکوموتیو هسته‌ای» در سال ۸۴ آغـاز کرد و در نهایت این لوکوموتیو با تحریم‌های سـال‌های ۹۰ و ۹۱ در وسـط ایستگاه از حرکت ایسـتاد. این دسته معتقدند بایـد با آژانس همکاری کرد. اگر اورانیوم‌ها در زیر آوار دفن شـده است، آژانس آن را تأیید کند. این پیشنهاد درست متضاد پیشنهاد دسته اول است که معتقدند باید غرب را در ابهام باقی گذاشت که سرنوشت اورانیوم‌ها چه شده است. این دسته بر این باورند که باید ضمن مذاکره با آمریکا، از آمریکا در دیوان داوری ایران-آمریکا به خاطر حمله به تأسیسات هسته‌ای شکایت و ادعای غرامت کرد.

مزایا و معایب پیشنهادهای این دیدگاه‌ها کدام است؟

مزایـای دیـدگاه اول (در جریان چنارها) می‌تواند این باشـد که ما با ایجاد وضعیت ابهام هسـته‌ای، فشـار سیاسی و روانی بر طرف‌های غربی ایجاد کنیم که احتمال دهند ایران به سـمت سـلاح هسـته‌ای می‌رود. در این وضعیت، اراده خود را به غرب نشان داده‌ایم، اما مشخص نیست که حتما غرب از این وضعیت ما بترسـد و حاضر به دادن امتیاز باشد. معایب آن هم این است که هدف تحریم‌ها و فشـارهای شـدیدتر قـرار خواهیم گرفت. به‌علاوه، خـروج از NPT می‌تواند به انـزوای کامل دیپلماتیک ایران منجر شـود. نکته مهم‌تر اینکه خـروج از NPT و همچین ابهام هسـته‌ای می‌تواند کشـور را به یک «هدف» برای حملات بعدی آمریکا و اسـرائیل تبدیل کند. به این معنا که هر نقطه‌ای را دل‌شـان خواسـت، بزنند و اعلام کنند به این نقطه مشـکوک بودیم. این همان اشتباهی بود که در ساعت اولیه حمله آمریکا، جریان چنارها دنبال کردند. آنها مدعی شدند ایران اورانیوم‌ها را از فردو خارج کرده‌اند و فردو یک ساختمان خالی است که تخریب آن هیـچ ضرری به ایران نمی‌رسـاند. اما بعدها متوجه اشـتباه خود شـدند و آن را تکرار نکردند؛ در عـوض، به وضعیت ابهام هسـته‌ای روی آوردند. نقطه قوت دیدگاه دوم همان مهار تنش است. همچنین می‌تواند منجر به جلوگیری از افزایش فشارهای بین‌المللی به ایران شود. در این وضعیت، امکان مذاکره بیشتری فراهم خواهد بود، اما مشـخص نیسـت که این روند چه مدت زمانی طول بکشد؟

حالا سیاسـت‌مداران ایران بر سـر یک دوراهی تصمیم‌گیری مهم قرار دارند. در عین حال طرح سـه‌فوریتی مجلس هم گره دیگری بر کار سیاسـت‌مداران خواهد زد. اگر طرح سـه‌فوریتی خروج از NPT روی سامانه مجلس ثبت نشود، پیام بدی به طرف غربی مخابره می‌شـود مبنی بر اینکه تهدیـدات را جدی نگیرد. اگر طرح در سـامانه ثبت شـود اما رأی نیاورد، باز هم برای ایران وضعیت بدتری را رقم می‌زنـد؛ به این معنا که می‌فهمند ایران چنیـن اراده‌ای ندارد و تنها تهدید سـطحی می‌کند. اما اگر طرح ثبت و تأیید شـود، براسـاس آنچه علی‌اکبر صالحی، وزیر سابق خارجه و رئیس سابق سازمان انرژی اتمی گفته: این امر در حیطه اختیارات رهبری اسـت و مجلس بدون استفسـار از نظر رهبری نمی‌توانـد چنین طرحی را تصویب کند. در چنین وضعیتی، ثبت این طرح در سـامانه در نهایت باعث می‌شـود مشت نظام برای طرف غربی کشف شود و هیچ تهدیدی بعد از آن کارساز نباشد.

پارادوکس اندازه دولت در ایران؛ دولت بزرگ یا کوچک؟

معمایی به نام «کوچک‌سازی دولت»

علیرضا جاجرمی
مشاور وزیر دادگستری

معضل «کوچک‌سـازی دولت» یکی از موضوعات کلیدی در سیاست‌گذاری عمومی ایران در سه دهه گذشـته بوده است. از برنامه‌های توسعه دهه ۱۳۷۰ تا قانون مدیریت خدمات کشوری (۱۳۸۶) و به‌ویژه ماده ۱۰۵ فصل بیست‌وسوم برنامه هفتم توسعه، تأکید بر چابک‌سـازی و کاهش حجم دولت به‌عنـوان راهبردی برای افزایش کارآمدی مطرح شـده است. با این حال، گفت‌وگو با مدیران دستگاه‌های اجرائی نشان‌دهنده چالش‌هایی نظیر کمبود نیروی انسـانی، نبود ساختارهای سـازمانی منسجم، و فشار سنگین تکالیف قانونی یا معطل‌مانده است که عملکرد سازمان‌ها را تحت تأثیر قرار داده است.

در مقابـل، گزارش‌هـای بین‌المللـی تصویری متفـاوت ارائه می‌دهند. براسـاس داده‌هـای صندوق بین‌المللی پـول (IMF,2023)، دولت ایران یکـی از کم‌هزینه‌ترین و کم‌خرج‌ترین دولت‌ها در جهان اسـت، با نسبت مخارج دولتی به تولید ناخالص داخلی (جی‌دی‌پی) پایین‌تر از بسـیاری از کشـورها. همچنین تحلیل‌های جهانی مانند گزارش World Population Review (۲۰۲۴) نشان می‌دهد که ایران در مقایسه با بیش از صد کشـور، از نظر نسبت کارکنان بخش عمومی به کل اشتغال و نسبت جمعیت به کارکنان دولتی، دولتی کوچک‌تر از بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته دارد. نکته تأمل‌برانگیز نبود شفافیت و دشواری دسترسی به برخی منابع داخلی و گزارش‌های رسانه‌ای در سال‌های اخیر اسـت که این داده‌ها را تأیید می‌کردند، و این امر لزوم بررسی دقیق‌تر و مستقل این پارادوکس را مطرح می‌کند.

این تناقض میان سیاست‌های کوچک‌سازی دولت و چالش‌های عملیاتی دستگاه‌های اجرائی، پرسـش‌هایی اساسـی را مطرح می‌کند: آیا دولت ایران واقعا «بزرگ» است؟ و چگونه می‌توان میان اهداف چابک‌سازی و نیازهای واقعی سازمان‌ها تعادل برقرار کرد؟ این یادداشت در پی تحلیل این پارادوکس و ارائه راهکارهایی برای بهبود کارآمدی نظام اداری ایران است.

گسترش ساختار و تشکیلات دولت در ایران

پس از پیروزی انقلاب اسـلامی ایران در سال ۱۳۵۷، گرایش و نگرش به دولتی‌سازی امور به‌تدریج به گسترش بخش عمومی و افزایش تصدی‌گری دولت منجر شد. این روند، اندازه دولت را از منظر سـاختار و تشـکیلات بزرگ‌تر کرد. با ایـن حال، ضرورت بازنگری در نقش و ابعاد دولت به‌سـرعت احساس شـد و اقداماتی مانند تدوین لایحه‌های اول (۱۳۶۱) و دوم (۱۳۶۲) سـاختار و تشـکیلات کلان دولـت، و همچنیـن تصویب قانون تعدیل نیروی انسـانی در دسـتگاه‌های دولتی (۱۳۶۶) در راستای اصلاحات ساختاری و کوچک‌سـازی دولت در دستور کار قرار گرفت. این تلاش‌ها، به دلیل شرایط خاص کشور ازجملـه جنگ تحمیلی، عمدتا ناکام ماند و نتوانسـت تحولات مؤثـری در نظام اداری ایجاد کند. با پایان جنگ تحمیلی در سـال ۱۳۶۷ و آغاز برنامه‌های توسـعه (از ۱۳۶۸)، زمینه برای حرکت جدی‌تر به سـوی تعدیل سـاختاری و تشـکیلاتی فراهم شد، هرچند چالش‌های اجرائی همچنان مانع از تحقق کامل این هدف بوده است.

اندازه دولت در مقایسه جهانی

اندازه و نقش دولت در هر کشـور به نظریه مبنایی حکمرانی و اداره امور عمومی آن وابسته است. براسـاس مطالعات تطبیقی (OECD, ۲۰۲۳)، اندازه دولت در کشورهای مختلف تحت تأثیر عواملی مانند سـاختار اقتصادی، فرهنگ سیاسـی و انتظارات اجتماعـی قرار دارد. در ایران، نسـبت مخـارج دولتی به تولیـد ناخالص داخلی (جی‌دی‌پی) در مقایسه با بسـیاری از کشورهای توسعه‌یافته پایین‌تر است (IMF, 2023)، اما حجـم مأموریت‌های محوله به دولت، به‌ویـژه در حوزه‌های آموزش، بهداشـت، امور قضائی و خدمات اجتماعی، بسیار پرحجم و گسترده است. و البته بسـیاری از کارشناسان معتقدند بسیاری از اموری نوپدید و ضروری برای حکمرانی شایسـته به دلیل محدودیت‌های منابع و سیاسـت‌های محدودکننده توسـعه‌ای، امکان ساختارسـازی و نهادینه‌سازی ندارد! این تناقض نشـان‌دهنده نبود انطباق میان منابع محدود و انتظارات گسترده از دولت است که نیازمند بازتعریف نقش‌ها و وظایف دولت در نظام حکمرانی است.

پارادوکس دولت: کوچک و محدود در منابع، بزرگ یا تقلیل‌یافته در مأموریت‌ها!

تضاد میان گفتمان «کوچک‌سازی دولت» و واقعیت‌های ساختاری و مأموریتی در ایران آشـکار است. ریشـه این پارادوکس در خلأ نظری و نبود تعریف روشن از نقش و حدود مسـئولیت‌های دولت در نظام حکمرانی ایران نهفته اسـت. قانون اساسـی جمهوری اسـلامی ایران از یک سـو دولت را موظف بـه تأمین خدمات شایسـته و گسـترده‌ای مانند آموزش، بهداشـت، مسـکن، شـغل، رفاه و عدالت اجتماعی می‌کند (اصل ۳ و ۴۳) و از سوی دیگر بر تقویت نقش بخش خصوصی و تعاونی تأکید دارد (اصل ۴۴). با این حال، سیاست‌های کلی نظام اداری، ازجمله تأکید بر «چابک‌سـازی» در برنامه‌های توسـعه (مانند ماده ۱۰۵ برنامه هفتم توسـعه)، فاقد چارچوب‌های عملیاتـی دقیق برای تفکیک وظایف ذاتی دولت از وظایف قابل واگذاری به بخش خصوصی است. این ابهام، نظام اداری را درگیر تناقض‌های ساختاری و اجرائی کرده و کارآمدی آن را کاهش داده است.

ریشه این «پارادوکس ادراکی» می‌تواند موارد زیر باشد:

• توزیع نامتوازن نیروها: در برخی مؤسسات و واحدهای دولتی تراکم کارمند بالاست (حـس فربهی دولـت)، اما در نقاط خط مقدم خدمـت و عملیاتی کمبود نیروی جدی وجود دارد (حس فقر منابع).

• سـاختارهای مـوازی و زائد: وجود سـازمان‌ها و سـاختارهای متعـدد موازی با مأموریت‌های متشـابه باعث می‌شـود جامعه «تعدد نهادها» را معادل «بزرگی دولت» تصور کند.

• سیاسـت‌زدگی منفی: دولت‌ها در ایران بارها براسـاس مصالح سیاسی، تشکیلات اضافی سـاخته یا مانع اصلاحات سـاختاری شده اسـت. همین امر موجب بزرگ‌نمایی حجم دولت در ذهن مردم می‌شود.

• بهـره‌وری پایین کارکنـان: حتی اگر تعداد کارکنان کم باشـد، وقتی «بازده کاری» و کیفیت کارشناسی مدیریتی در نظام اداری پایین باشد، در ذهن جامعه تصویری از «حجم زیاد کارمند بی‌فایده» شکل می‌گیرد.

و مواردی دیگر که باعث جلوه ناکارآمدی دولت‌ها می‌شود، مانند:

- انباشت مأموریت‌ها و وظایف تکلیفی معطل‌مانده یا تقلیل‌یافته بدون بازنگری در ساختارها و مأموریت‌های قدیمی،
- ایجاد ساختارهای موازی و متکثر،
- خصوصی‌سازی‌های نیمه‌کاره و شکست‌خورده،
- و نهایتا نبود شـفافیت که باعث شکاف عمیق میان تصویر دولت در ذهن مردم و واقعیت عددی آن شده است.

تجربه جهانی چه می‌گوید؟

در جهان، اندازه دولت در دهه‌های اخیر در برخی از کشورهای اتحادیه اروپا ازجمله هلند، فرانسـه، بلژیک و آلمان تعـداد حکومت‌های محلی، منطقه‌ای و شـهرداری‌ها کاهش یافته اسـت. در کشـورهایی مانند ایتالیا و لیتوانی نیز برخی سـطوح و رده‌های اداری حذف و صلاحیت‌های آن دوباره توزیع شـده اسـت. در سال ۲۰۱۹ کشور کرواسی ۴۵۴ سـازمان و شـرکت دولتی را ادغام، خصوصی‌سـازی یا منحل کرده است. این‌گونه اصلاحات عموما به‌عنوان شیوه‌هایی برای منطقی‌کردن هزینه‌های عمومی، شفاف‌سازی و بازطراحی و تقویت مسئولیت‌ها و صلاحیت‌ها بین سطوح اداری مطرح است.

باوجوداین در ۲۰ سـال اخیر، تعداد مؤسسـات و شـرکت‌های دولتی در ایران ظاهرا ثابت بوده اسـت. گفتنی اسـت با توجه به تبعیت تشـکیلات دسـتگاه‌های اجرائی از سـطوح تقسیمات کشوری، روند افزایش اندازه دولت در این شاخص در مقایسه با دیگر کشورها متفاوت اسـت، اما ایران مانند مدل اقتصادی‌اش دراین‌میان معلق مانده است: نظریه‌های تجویزی درباره عدالت و رفاه دارد، اما نظریه اجرائی و برنامه راهبردی روشنی برای حیطه ورود و وظایف و تقسـیم مسئولیت‌ها ندارد. در نتیجه دولتی شکل گرفته که «بزرگ در مأموریت و کوچک در منابع» است.

پارادوکس نظریه و عمل در نقش دولت

دولـت در ایران به‌ظاهر بزرگ پنداشـته می‌شـود، اما در عمل بـا ظرفیت محدود، ناکارآمدی و عملکرد ضعیف مواجه اسـت. این تناقض ریشـه در نبود نظریه‌ای روشـن و منسـجم درباره نقش دولت در نظام حکمرانـی دارد. نظریه‌های مدرن مانند مدیریت دولتی نویـن (NPM) و دولت حداقلی بر نقش دولت به‌عنوان «ناظر و تنظیم‌گر» تأکید دارنـد، درحالی‌که در ایران، دولت هم‌زمـان در پی ایفای نقش تنظیم‌گری و تصدی‌گری اسـت. این دوگانگی که در آن دولت به دنبال کوچک‌سـازی اسـت امـا مأموریت‌ها و مداخلاتش همچنان گسترده باقی می‌ماند، به اختلال در تمرکز بر وظایف ضروری دولت و کاهش کارآمدی نظام اداری منجر شده است.

گذر از شعار و سردرگمی به سوی نظریه در تبیین نقش دولت

پارادوکس اندازه دولت در ایران فراتر از یک مسـئله صرفا اداری، ریشـه در خلأ نظری و چالش‌های سـاختاری دارد. اندازه دولت‌ها، تابع نظریه حکمرانی و نقش تعریف‌شـده آنها در جامعه اسـت. برخـلاف پیش‌فرض‌های رایـج، داده‌های بین‌المللـی حکایت دیگری را روایت می‌کنند. با این حال تفاوت‌های روش‌شناختی در محاسبه شاخص‌های جهانی ایجاب می‌کند که این موضوع با بررسی‌های دقیق‌تر و بومی ارزیابی شود. تا زمانی که نقش و حدود مسـئولیت‌های دولت در نظام حکمرانی ایران به صورت شفاف تعریف نشود، سیاست‌های کوچک‌سـازی یا بزرگ‌سازی صرفا به تشـدید تناقضات، ناکارآمدی و نارضایتی عمومی منجر خواهد شد. برخلاف کوچک‌سازی که ممکن است با ملاحظات عدالت اجتماعی ناسازگار باشد، «متناسب‌سازی» اندازه دولت مفهومی جامع‌تر است که بر انطباق ساختارها و مأموریت‌ها با نیازهای زیسـت‌بوم ایران تأکید دارد. راه برون‌رفت از این پارادوکس، گذر از شـعارهای کلی و سیاست‌های غیرمنسجم به سوی تدوین نظریه‌ای روشن و بومی برای دولت جمهوری اسلامی ایران است. این نظریه باید به جای تمرکز بر کاهش عددی کارکنان، بر اصول زیر استوار باشد:

چابک‌سـازی مأموریتـی: بازتعریـف همه‌جانبـه وظایف دولـت و مأموریت‌های دستگاه‌های اجرائی با حذف موازی‌کاری‌ها و تمرکز بر نقش‌های تنظیم‌گری و نظارتی.

رفع ساختارهای زائد: بازنگری ساختارهای کلان و بازطراحی تشکیلات برای کاهش پیچیدگی‌های بوروکراتیک.

ارتقـای بهره‌وری: تقویت مدیریت منابع انسـانی و بهره‌گیری از فناوری‌های نوین و روش‌های هوشمندسازی.

تنها با اسـتقرار چنین نظریه‌ای می‌توان به سـوی دولتی هوشـمند، کارآمد، شفاف، مسـئولیت‌پذیر و پاسخ‌گو حرکت کرد که هم‌راستا با اهداف عدالت‌محور و توسعه پایدار کشور باشد.

آگهی مناقصه عمومی یک مرحله ای

سازمان زندانها و اقدامات تامینی و تربیتی کشور
اداره کل زندانهای استان تهران

۱.دستگاه منـاقصه گزار: اداره کل زندان هـای استـان تهران در نظر دارد، **خدمـات، مراقبت، نگهداری و درمان مددجویان اداره کل زندان های استان تهران (معتادین متجاهر ماده ۱۶ اردوگاه فشافویه)** را از طریق مناقصه عمومی واگذار نماید.
کلیه مراحل برگزاری مناقصه از دریافت اسناد تا ارائه پیشنهاد مناقصه گران و بازگشایی پاکت ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد و لازم است مناقصه گران در صورت عدم عضویت در سامانه مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند.
۲. مبلغ برآورد مناقصه: ۱,۶۲۸,۷۸۲,۰۶۴,۲۳۳ ریال
۳. ضمانتنامه شرکت در مناقصه: ۴۹,۶۷۵,۶۴۱,۲۸۴ ریال
۴. تاریخ انتشار در سامانه : ساعت ۱۹ یکشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۶/۰۹
۵. مهلت دریافت اسناد: تا ساعت ۱۹ پنجشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۶/۱۳
۶. مهلت زمان ارائه پیشنهاد: ۱۹ یکشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۶/۲۳
۷. زمان بازگشایی پاکت ها: ساعت ۱۱ صبح دوشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۶/۲۴
۸. مهلت تحویل پاکت ضمانت نامه (الف): ساعت ۱۳ یکشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۶/۲۳
۹. محل تامین اعتبار: اعتبارات هزینه ای
۱۰. مدت اجرای پیمان: ۱۲ ماه
۱۱. حداقل پیشنهاد معتبر جهت عدم ابطال مناقصه (وجود مدارک کامل و بازشدن پاکت ج) یک پیشنهاد می باشد.
تضمین شرکت در مناقصه: ضمانت نامه بانکی یا واریزی وجه نقدی به شماره حساب شبا به شماره IR۲۲۰۱۰۰۰۰۴۰۷۴۰۱۳۱۰۷۸۶۵۴۲۶ بانک مرکزی، حساب متمرکز وجوه سپرده بودجه عمومی اداره کل زندان های استان تهران
شناسه واریز: ۹۳۸,۱۰۸,۲۷۴,۱۲۸,۶۳۸,۵۳۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۱
م الف ۲۰۱۴ شناسه آگهی ۱۹۹۱۹۶۲